

شخصیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

از منظر نهج البلاغه*

حجت الاسلام والمسلمین عبدالمجید زهادت**

چکیده:

توجه به شرایط جهانی عصر بعثت از منظر حضرت علی علیه السلام فواید و آثار ارزشمند انقلاب عظیم نبی مکرم صلی الله علیه و آله را آشکارتر می‌سازد. از سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه پیرامون شخصیت نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله استفاده می‌شود که: خداوند تعالی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از دودمانی پاک برای هدایت بشر برانگیخت و بعثت آن اعظم نیز مهم‌ترین رویداد تاریخ انسانیت است.

واژه‌های کلیدی: امام علی علیه السلام، اسوه حسنه، بعثت نبی گرامی صلی الله علیه و آله، سیره نبوی، صفات پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، نهج البلاغه.

* تاریخ تأیید: ۸۵/۰۷/۲۳

* تاریخ دریافت: ۸۵/۰۶/۱۴

** عضو هیأت علمی مدرسه عالی امام خمینی ره، قم.

قرآن کریم می‌فرماید:

تقد کان لکم فی رسول اللہ أسوة حسنة لمن کان یرجو اللہ والیوم
الآخر و ذکر اللہ کثیراً^۱

البته برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است برای
آنها که امید به رحمت خداوند و روز رستخیز دارند و خدا را بسیار یاد
می‌کنند.

از آنجا که نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اسوه حسنه و الگوی مناسب برای همه انسانها در همه
اعصار است، باید در پی شناخت آن شخصیت عالی مقام و سیره آن فرستاده الهی باشیم. با توجه
به اینکه نزدیک‌ترین انسانها به نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و آگاه‌ترین انسانها به شخصیت آن پیامبر
اعظم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام است، بهترین راه برای شناخت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مراجعه به سخنان
گهربار امام علی علیه السلام می‌باشد.

امام علی علیه السلام در بیان ارتباط خود با نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

و قد علمتم موضعی من رسول الله صلی الله علیه و آله بالقرابة القریبة و المنزلة
الخصیصة^۲

شما به خوبی موقعیت من را از نظر خویشاوندی و قرابت و منزلت و
مقام ویژه نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دانید.

نهج البلاغه اقیانوس بی‌کرانی است از معارف الهی و قرآنی. از جمله ذرهای گرانبها در این

بحر مواج مطالبی است پیرامون معرفی نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله. ابن ابی‌الحدید می‌گوید:

وقتی از استادم ابوجعفر درباره ذیل خطبه ۱۰۶ **نهج البلاغه** پرسیدم
که من کلمات و خطبه‌های اصحاب را دیده‌ام، ولی هیچ‌کدام پیامبر صلی الله علیه و آله را
این‌گونه که علی علیه السلام با عظمت یاد کرده مطرح نکرده‌اند و مانند او به
پیامبر دعا نکرده‌اند، او در پاسخ گفت: صحابه در کجا کلام مدونی دارند تا
از آن فهمیده شود که چگونه از پیامبر صلی الله علیه و آله یاد کرده‌اند؟ سپس گفت: علی
به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان قوی داشت و قویاً او را تصدیق می‌نمود و به او یقین
راسخ داشت و در راه او هیچ تردیدی نداشت و در راه اجرای خواسته‌های
او بود. با تمام این اوصاف، او رسول خدا صلی الله علیه و آله را بسیار دوست می‌داشت؛
زیرا با او نسبت نزدیک داشت و زیر نظر او تربیت یافته بود و موقعیت
ویژه‌ای نزد او داشت که دیگر اصحاب نداشتند. به این ترتیب شرافت
پیامبر صلی الله علیه و آله برای علی علیه السلام هم هست، زیرا آن دو یک روح در دو بدن
بودند. پدر آنها یکی بود (زیرا ابوطالب کفیل پیامبر صلی الله علیه و آله بود) و از نظر
اخلاقی با هم تناسب داشتند. علی آرزو داشت دعوت اسلام فراگیر شود،
پس چگونه پیامبر را تعظیم و احترام نکند و در اعلائی کلمه او تلاش
ننماید.

طهری

سال پنجم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۵

ما در این نوشتار بر طبق نهج البلاغه، نسخه صبحی صالح، نگاهی به شخصیت نبی گرام اسلام ﷺ و بعثت آن حضرت خواهیم داشت.

شخصیت نبی گرامی اسلام ﷺ

امام علی علیه السلام درباره دودمان پاک نبی گرامی اسلام ﷺ بیاناتی دارد و از آن جمله می فرماید:

فاستودعهم فی افضل مستودع و اقرهم فی خیر مستقر، تناسختهم کرائم
الاصلاب الی مطهرات الارحام. کلما مضی منهم سلف قام منهم بدین الله
خلف حتی انقضت کرامه الله سبحانه و تعالی الی محمد ﷺ فاخرجه من افضل
المعاون منبیا و اعز الارومات مفرساً من الشجرة التي صدح منها انبیاءه و
انتجب منها ائمه. عترته خیر العتر و اسرته خیر الاسر و شجرته خیر
الشجر^۲

خداوند نطفه پاک پیامبران را در بهترین جایگاه به ودیعت نهاد و در بهترین مکانها آنها را مستقر ساخت، صلب کریم پدران آنان را به رحم پاک مادران منتقل نمود. هرگاه یکی از آنان بدرود حیات می گفت، دیگری بعد از او برای پیشبرد دین خدا به پای خاست. تا اینکه این منصب بزرگ نبوت از جانب خداوند - سبحانه و تعالی - به محمد ﷺ رسید. او را از بهترین اصلها و مکانها که با ارزش ترین رویدادها از آن به دست می آید استخراج کرد و نهال وجود او را در اصیل ترین و عزیزترین سرزمینها غرس کرد و شاخه های هستی او را از همان درختی که پیامبران را از آن آفرید به وجود آورد. از همان شجره ای که امینان درگاه خود را از آن برگزید. فرزندان بهترین فرزندان اند و خاندانش بهترین خاندان و دودمانش بهترین دودمانند.

منصب نبوت که مقام وساطت میان خداوند و بندگان اوست باید دارای ویژگی و خصوصیات والا باشد تا امر وصایت و هدایت الهی به خوبی محقق گردد. نقص و عیب در دودمان مانع از تأثیرپذیری از تعالیم الهی می شود. خواجه رحمته در بحث لزوم عصمت می گوید:

و یجب فی النبی العصمة لیحصل الوثوق فیحصل الغرض و عدم السهو و کلما ینفر عنه ، ن دناته الایاء و عهر الامهات.^۳

پیامبر باید معصوم باشد تا سخنان او قابل اعتماد بوده و از این رهگذر هدایت مردم که همانا غرض از ارسال رسل بود حاصل گردد و پیامبر نباید دچار سهو گردد و نباید صفاتی که باعث نفرت مردم می گردد از قبیل پستی پدران و ناپاکی مادران داشته باشد.

این نظر مورد تأیید شارح قوشجی اشعری نیز قرار گرفته^۴ و دیگر متکلمان اسلامی از جمله فاضل مقداد بر این نکته تأکید دارند.^۵

ذیل آیه کریمه «لقد جاءكم رسول من انفسكم»^۸ از نبی گرامی اسلام ﷺ نقل شده است:

نسباً و صهراً و حسباً ليس في آبائي من لدن آدم سفاح و كلنا
بنكاح^۹

از جهت نسبی و سببی و حسبی در میان پدران من از حضرت
آدم ﷺ هرگز ناپاک دامنی نبوده و تمام دودمان ما از راه نکاح مشروع
بوده است.

بر پاکی مادران و اجداد مادری آن حضرت ﷺ نیز تصریح شده است؛ از جمله:
كتب للنبي عليه الصلاة والسلام خمسة أم فما وجدت فيهن
سفاها و لاشيئاً مما كان من امر الجاهلية^{۱۰}
برای نبی گرامی اسلام که بر او درود و سلام خدا، باد پانصد
مادر نوشته شده که هرگز در میان آنان ناپاک دامنی و آنچه در زمان
جاهلیت رواج داشته پیدا نکردم.

تربیت مخصوص نبی گرامی اسلام ﷺ

امام علی ﷺ درباره تربیت ویژه نبی گرامی اسلام از دوران کودکی می فرماید:
لقد قرن الله به صلى الله عليه و آله من لدن ان كان عظيماً اعظم
ملك من ملائكته يسلك به طريق المكارم و محاسن اخلاق العالم ليله و
نهاره^{۱۱}

از همان زمان که رسول خدا ﷺ را از شیر گرفتند، خداوند
بزرگ ترین فرشته از فرشتگان خویش را مأمور ساخت تا شب و روز وی را
به راههای بزرگواری و درستی و اخلاق نیکو سوق دهد.

اما مراد از «عظم ملك» را می توان از سخنان امام صادق ﷺ به دست آورد. حضرت ذیل
آیه کریمه «و كذلك اوحينا اليك روحاً من امرنا»^{۱۲} می فرماید:

خلق والله اعظم من جبرئيل و ميكائيل و قد كان مع رسول
الله ﷺ يخبره و يسدده و هو مع الأئمة يخبرهم و يسددهم^{۱۳}
به خدا سوگند، مخلوقی است بزرگ تر از جبرئیل و میکائیل و
او همواره با رسول خدا ﷺ بود و او را آگاه ساخت و راهنمایی
می نمود. او با امامان هست و آنها را آگاه می سازد و راهنمایی
می نماید.

از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ نقل شده که فرمود:

سمعت رسول الله يقول: ما همت بشيء مما كان اهل الجاهلية
يعملون به غير مرتين كل ذلك يحول الله بيني و بين ما اريد من ذلك^{۱۴}

طهر

سال پنجم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۵

۸۴

از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: هیچ‌گاه نخواستم کارهای رایج در زمان جاهلیت را انجام دهم مگر دو بار که در هر بار خداوند میان من و آنچه می‌خواستم حائلی قرار داد.

و امام صادق علیه السلام در باره تربیت ویژه نبی گرامی اسلام می‌فرماید:
ان الله ادب محمداً ﷺ فاحسن تأدیه^{۱۵}
خداوند محمد ﷺ را ادب نمود و چه خوب او را تربیت کرد.

بعثت پیامبر اکرم ﷺ

در عظمت بعثت همین بس که خداوند متعال می‌فرماید:

لقد الله علی المومنین اذ بعث فیهم رسولا ﷺ من انفسهم یتلوا
علیهم آیاته یتذکروهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لقی
ضلال مبین^{۱۶}

خداوند بر اهل ایمان منت نهاد که رسولی از خود آنها در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات خدا را تلاوت کند و نفوس آنها را از نقص و آرایش پاک گرداند و به آنها احکام شریعت و حقایق حکمت را بیاموزد، هر چند قبل از آن در گمراهی آشکار بودند.

همان‌گونه که در این آیه کریمه برای تبیین عظمت بعثت نبی گرامی اسلام به شرایط مردم در عصر بعثت توجه داده شده، در سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه نیز وضعیت جهان در عصر بعثت مورد عنایت قرار گرفته است.

جهان در عصر بعثت

الف) وضعیت جهان از نظر دینی و اعتقادی

امام علی علیه السلام در ترسیم وضعیت دینی جهان در عصر بعثت در موارد متعددی از تعبیر قرآنی «فترت» از آیه کریمه «یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا ینبئکم علی فتره من الرسل»^{۱۷} استفاده نموده‌اند و از جمله می‌فرمایند:

ارسله علی حین فتره من الرسل و طول هجعة من الامم قد
درست منار الهدی و ظهرت اعلام الردی^{۱۸}

هنگامی خداوند رسالت را برعهده پیامبر اکرم ﷺ گذارد که مدت‌ها از بعثت پیامبران پیشین گذشته بود و ملت‌ها در خواب غفلت فرو رفته بودند.

راغب در معنای فترت می‌گوید: فتور آرامش پس از تندی و ملایمت پس از شدت و سستی بعد از توان و قدرت است. خدای تعالی می‌فرماید: ای اهل کتاب، رسول ما آمد تا در روزگاری که

پیامبری نبود برای شما دین را بیان کند؛ یعنی مدت زمانی که (پس از حضرت عیسی) هنوز پیامبر خدا ﷺ نیامده بود.^{۱۹}

ابن اثیر می‌گوید: فترت فاصله زمانی بین دو رسول است؛ آن زمانی که رسالت در آن قطع شده است، مانند فاصله بین عیسی و محمد ﷺ.^{۲۰}

امام علی علیه السلام در ترسیم عقاید مردم در آن عصر می‌فرماید:

و اهل الارض (الارضین) یومئذ ملل متفرقه و اهواء متشتتة و طریق (طوائف) متشتتة بین مشبه لله بخلقه او ملحه فی اسمه او مشیر الی غیره.^{۲۱}

در عصر بعثت مردم دارای مذاهب پراکنده و خواسته‌های گوناگون و جمعیت‌های متشتت بودند. گروهی خدا را به مخلوقاتش تشبیه کردند و عده‌ای در اسمای او تصرف نمودند و جمعی هم معبودهای دیگری غیر از خدای یگانه داشتند.

سه طایفه‌ای که امام علیه السلام بیان نمودند با آیات کریمه قرآن نیز تطابق دارد:

گروه اول: «مشبه لله بخلقه». آنان کسانی بودند که صفات مخلوقات را برای خداوند ثابت می‌دانستند. قرآن کریم می‌فرماید:

و قالت اليهود عزیر ابن الله و قالت النصارى المسيح بن الله ذلك بافواهم یضاهون قول الذین كفروا من قبل قاتلهم الله انى یوفکون^{۲۲}

یهود گفتند عزیر پسر خداست و نصارا گفتند مسیح پسر خداست. این سخنی است که آنها با زبان خود می‌گویند. این سخن کافران پیش از آنها نیز هست. خدا آنان را بکشد؛ چگونه از حق منحرف شده‌اند و به خدا دروغ می‌بندند.

گروه دوم: «او ملحد فی اسمه». مجلسی در شرح این عبارت می‌گوید: «اسمی که شایسته مقام خداوند نیست را بر او اطلاق می‌کنند و به او نسبت می‌دهند و یا اسم خداوند را بر دیگران اطلاق می‌کنند.»^{۲۳}

گروه سوم: «او مشیر الی غیره» یعنی کسانی که غیر خداوند را در امور مؤثر و مستقل در تأثیر می‌دانستند، مانند دهریه که طبیعت و حرکات فلکی را مؤثر می‌دانستند و یا ثویه که برای عالم دو مبدأ قائل بودند و یا بت پرستان که برای بت‌های خود تأثیر قائل بودند.

امام علیه السلام درباره رواج بت پرستی در میان مردم عرب می‌فرماید: «و اتتم معشر العرب علی شر دین و شردار والاصنام فیکم منصوبة»^{۲۴} و در جای دیگر می‌فرماید: «والاصنام معبودة.»^{۲۵}

تاریخ‌نویس معروف عرب، کلبی، که در سال ۲۰۶ هجری وفات یافته می‌نویسد:

طبر

کعبه در حقیقت بت‌خانه خدایان اعراب جاهلی بود و هر قبیله‌ای در آنجا بتی داشت و بالغ بر ۳۶۰ بت به اشکال گوناگون در این خانه بود. حتی نصارا هم در آنجا بر روی ستونها و دیوارها صورت مریم و عیسی و تصویر فرشتگان و داستان ابراهیم را ترسیم کرده بودند.^{۲۶}

امام علی^{علیه السلام} در ترسیم وضعیت دین شبه جزیره عرب در آن روزگاران می‌فرماید:
ان الله بعث محمداً^ﷺ و ليس احد من العرب يقرأ كتاباً ولا يدعى نبوة^{۲۷}

خداوند هنگامی محمد^ﷺ را به نبوت مبعوث ساخت که هیچ کس از عرب کتب آسمانی نداشت و ادعای نبوت نمی‌نمود

و در جای دیگر می‌فرماید:

و ليس احد من العرب يقرأ كتاباً و لا يدعى نبوة و لا وحياً^{۲۸}

جهل و گمراهی مردم شبه جزیره عرب و سرتاسر دنیا را فرا گرفته بود در ایران باستان ثنویت و شرک فراگیر بود. در روم باستان تا پیش از مسیحیت، دین رسمی بت‌پرستی بود و مسیحی شدن روم به معنای خضوع بت‌پرستی در برابر خداپرستی نبود، بلکه مسیحیت تسلیم بت‌پرستی و مسیحی بت‌پرست شده بود و در سایر نقاط جهان، اعتقادات شرک‌آلود و خرافی بر مردم حاکم بود.^{۲۹}

(ب) وضعیت اجتماعی در عصر بعثت

امام علی^{علیه السلام} در ترسیم زندگی و معیشت سخت آن دوران می‌فرماید:
و انتم معشر العرب علی شر دین و شردار منیخون بین حجارة
خشن و حیات صم تشرهون الکدر و تأکلون الجشب^{۳۰}
خداوند رسول خدا را فرستاد، در حالی که شما جمعیت عرب بدترین
آیین را داشتید و در بدترین سرزمینها و میان سنگهای خشن و مارهای
خطرناک زندگی می‌کردید و آبهای آلوده می‌نوشیدید و غذاهای ناگوار
می‌خوردید.

شارح بحرانی می‌نویسد: از عربی پرسیدند: شما از چه حیواناتی در بیابان برای خوراک استفاده می‌کنید؟ وی در پاسخ گفت: ما هر موجودی را که روی زمین حرکت می‌کند می‌خوریم مگر ام جبین (به خاطر تلخ بودن ماده سمی در سر این حیوان) را.^{۳۱}

امام علی^{علیه السلام} درباره رواج قتل و خونریزی بین مردم می‌فرماید:

تسفکون دماءکم و تقطعون ارحامکم^{۳۲}
پیوسته خون یکدیگر را می‌ریختند و پیوند خویشاوندی را قطع
می‌نمودید.

و در بیان بی‌نظمی و هرج و مرج اجتماعی در عصر بعثت می‌فرماید:

ارسله على حين فترة من الرسل و طول هجعة من الامم و انتشار من الامور و تلظ من الحروب، والدنيا كاسفة النور ظاهرة الغرور على حين اصفرا و اياس من ثمرها و اغورار من ورقها و من ماثها قد درست منار الهدى و ظهرت اعلام الردى فى متجهمعة فى وجه طالبها ثمرها الفتنة و طعامها الجيفة و شعارها الخوف و دثارها السيف^{۳۳}

هنگامی خداوند رسالت را بر عهده پیامبر اکرم ﷺ گذارد که مدت‌ها از بعثت پیامبران پیشین گذشته بود و ملت‌ها در خواب عمیقی فرو رفته بودند. فتنه و فساد جهان را فرا گرفته بود و کارهای خلاف در میان مردم منتشر بود و آتش جنگ‌ها زبانه می‌کشید. دنیا بی نور و پر از مکر و فریب گشته بود. برگ‌های درخت زندگی به زردگی گراییده و امید باروری آن قطع شده بود و آب حیات زندگی به زمین فرو رفته بود. مناره‌های هدایت به کهنگی گراییده و پرچم‌های هلاکت و بدبختی آشکار شده بود. دنیا با قیافه‌ای زشت و کزیه به اهلش می‌نگریست و با چهره‌ای عبوس با طالبانش روبه‌رو بود. میوه درخت دنیا فتنه بود و طعامش مردار. در درون وحشت و اضطراب و در برون شمشیر حکومت می‌کرد.

در خارج از عربستان هم شرایط اجتماعی بهتر از شبه جزیره نبود و دو امپراتوری بزرگ ایران و روم از دیر زمان در ستیزه و جنگ بودند و نظم اجتماعی مبتنی بر تبعیض و فساد بر آنها حاکم بود.^{۳۴}

طرح

بشارت به ظهور نبی گرامی اسلام ﷺ

پس از پایان دوران تاریک و جاهلیت و غلبه یأس و نومیدی، توجه به این نکته ضروری است که با تمام این شرایط سخت و رقت‌بار، بارقه امیدی در اعماق جان بندگان صالح خدا درخشش داشت و آن امید به آمدن نبی خاتم ﷺ بود. امام علیؑ در این باره می‌فرماید:

الی ان بعث الله سبحانه محمداً رسول الله ﷺ لا یخاف عدته و انتمام نبوته مأخوذاً علی النبیین میثاقه، مشهورة سماته^{۳۵}

تا اینکه خداوند محمد رسول الله ﷺ را برای وفای به عهد خویش و کامل کردن نبوتش مبعوث ساخت و این در حالی بود که از همه پیامبران درباره او پیمان گرفته شده و نشانه‌هایش مشهور بود.

از امام علیؑ ذیل آیه ۸۱ سوره آل عمران روایت شده است که:

ان الله اخذ الميثاق علی الانبياء قبل نبينا یخبروا امهم بجمعه و نعته و یبشروهم به و یا مرهم بتصدیقہ.^{۳۶}

خداوند از پیامبران پیش از پیامبر خود عهد گرفته است که به پیروان بجزد بشارت آمدنش را بدهند و صفات و مشخصاتش را بیان کنند و آنان را به تصدیقش امر نمایند.

سال پنجم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۵

اهداف و فوائد بعثت در بعد اعتقادی و دینی

امام علی علیه السلام یکی از فوائد بعثت را هدایت و راهنمایی مردم می‌شمارد:

و اشهد ان محمداً عبده و رسوله ارسله بالدين المشهور والعلم
المأنور والكتاب المسطور و النور الساطع و الضياء اللامع والامر
الصادع، از احه للشبهات و احتجاجاً للبينات و تحذيراً بالآيات و
تخويفاً بالمثلات^{۳۷}

گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست، وی را با دینی
آشکار و با نشانه و آیینی راستین و کتابی نوشته شده و نوری درخشان و
روشنایی تابنده و امری آشکار و بی‌پرده فرستاد تا شبهات را از بین برد و
با دلایل روشن استدلال کند و به وسیله آیات الهی مردم را از مخالفت
خدا بر حذر دارد و از کیفر گناهان بترساند.

و در این باره می‌فرماید:

ارسله بوجوب الحجج و ظهور الفلج و ايضاح المنهج، فبلغ
الرسالة صادعاً بها و حمل على المهجة دالاعليها و اقام اعلام الاهتداء و
منار الضياء، و جعل امراض الاسلام و متينة و عرى الايمان وثيقه^{۳۸}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را با برهانهایی روشن و پیروزی بر کفر و شرک و
آشکار نمودن راه راست گسیل داشت و پیامبر نیز رسالت حق را آشکارا
ابلاغ نمود و انسانها را به جاده حق رهنمون شد. پرچمهای هدایت را
برافراشت و نشانه‌های روشن را برقرار ساخت. رشته‌های اسلام را محکم
و دستگیره‌های ایمان را استوار گردانید.

امام علی علیه السلام تأثیر عمیق هدایتها و تربیت‌های نبی گرامی اسلام را این‌گونه ترسیم می‌فرماید:

و لقد كنا مع رسول الله صلی الله علیه و آله تقتل آباءنا و ابناءنا و اخواننا و
اعامنا ما يزدنا ذلك الا ايماناً و تسليماً و مضياً على اللقم و صبراً على
مضض الالم و جداً في جهاد العدو و لقد كان الرجل منا و الآخر من
عدونا يتصاولان تصاول الفحلين يتخالسان انفسهما ايهما يسقى صاحبه
كأس المنون فمره لنا من عدونا و مرة لعدونا منا فلما رأى الله صدقتنا
انزل بعدونا الكهت و انزل علينا النصر حتى استقر الاسلام ملقياً جرانه
و متبوتاً او طاته^{۳۹}

ما در رکاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای پیشبرد اهداف آن حضرت از هیچ
چیز باک نداشتیم. حتی حاضر بودیم پدران و فرزندان و برادران و
عموهای خویش را در این راه نابود کنیم و این پیکار بر تسلیم و ایمان ما
می‌افزود و ما را در جاده وسیع حق و صبر و بردباری و در برابر ناراحتیها و
جهاد و کوشش پی‌گیر با دشمن ثابت‌قدم‌تر می‌ساخت. گاهی یک نفر از ما
و دیگری از دشمنان ما همانند دو قهرمان با یکدیگر نبرد می‌کردند و هر
کدام می‌خواست کار دیگری را تمام کند تا کدام‌یک جام مرگ را به
دیگری بنوشاند. گاهی ما بر دشمنان پیروز می‌شدیم و زمانی دشمن بر ما.

اما هنگامی که خداوند راستی و اخلاص را در ما دید، خواری و ذلت را بر دشمنان ما نازل کرد و نصرت و پیروزی را به ما عنایت فرمود تا آنجا که اسلام بر زمینها گسترده شد و سرزمینهای پهناوری برای خویش برگزید.

اهداف و فوائد بعثت در بعد اجتماعی

یکی از فواید بعثت نبی گرامی اسلام ﷺ ایجاد روحیه اخوت و برادری است، آن هم در جامعه‌ای که دشمنی و کینه‌توزی و ستیزه‌جویی را طبع ثانویه خود قرار داده بود. امام علیؑ در بیان این فائده می‌فرماید:

قد صرفت نحوه افئدة الابرار و تثبت الیه ازمة الابصار دفن الله به الضغائن و اطفأ به الثوائر الف به اخواناً و فرق به اقراناً اعزبه الذلّة و اذل به العزة^{۲۰}

دل‌های نیکوکاران، شیفته پیامبر اکرم ﷺ گشت و چشمهای حق‌جویان به سوی او متوجه شد و به برکت وجودش کینه‌ها را مدفون ساخت و آتش دشمنیها را فرو نشاند. افراد دور افتاده را به واسطه او به هم نزدیک ساخت و نزدیکانی که در ایمان و هدف هم‌آهنگ نبودند از هم دور نمود. ذلیلان محروم در پرتو وجود او عزت یافتند و عزیزان خودخواه ذلیل شدند.

یکی دیگر از فواید بعثت و آثار آن بهبود زندگی و معیشت مردم بود. امام علیؑ در این باره

می‌فرماید:

فانظرو الی مواقع نعم الله علیهم حیث بعث الیهم رسولاً فعمد طاعتهم و جمع علی دعوته الفهم کیف نشرت النعمة علیهم جناح کرامتها و اسالت لهم جداول نعيمها و التفت الملة بهم فی عوائد برکتها فاصبحوا فی نعمها غرقین و فی خضرة عیشها فکھین قد تربعت الامور بهم فی ضل سلطان قاهر و آوتهم الحال الی کنف عز غالب و تعطفت الامور علیهم فی ذری ملک ثابت فهم حکام علی العالمین و ملوک فی اطراف الارضین یملکون الامور علی من کان یملکها علیهم و یضون الاحکام فی من کان یضیها فیهم لا تمز لهم قنائة و لا تفرح لهم صفاة^{۲۱}

به نعمتهایی که خداوند هنگام بعثت پیامبر اکرم ﷺ به آنان ارزانی داشت بنگرید که آنان را مطیع و فرمانبردار شریعت او گردانید و در پرتو شریعت او با هم مهربانشان ساخت. بنگرید که چگونه نعمت و آسایش پروبال کرامت و بزرگواری خود را بر آنها گستراند و نهرهای مواهب خود را به سوی آنان جاری نمود و آیین حق با تمام برکاتش آنها را فراگرفت. پس در میان نعمت‌ها غرق گشتند و در زندگی خرم و شادمان شدند. امور آنان در سایه قدرت کامل استوار گردید و سامان یافت و در سایه عزتی پیروز قرار گرفتند و حکومتی ثابت و پایدار نصیبشان گردید. پس آنان

طهر

حاکم و زمامدار جهانیان شدند و سلاطین روی زمین گشتند و مالک و فرمانروای کسانی شدند که قبلاً بر آنها حکومت می‌کردند و قوانین و احکام را درباره کسانی به اجرا گذاردند که قبلاً درباره خودشان اجرا می‌نمودند. کسی قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت و احدی خیال مبارزه با آنان را در سر نمی‌پروراند.

تسلط مردمی که پیش از بعثت ضعیف‌ترین مردم بودند بر سایر امتهای و کشورگشایی آن را ادیب‌الممالک فراهانی این‌گونه ترسیم نماید:

ما ییم که از پادشان باج گرفتیم	ز آن پس که از ایشان کمر و تاج گرفتیم
وز پیکرشان دیبه و دیباج گرفتیم	ماییم که از دریا امواج گرفتیم
در چین و ختن ولوله از هیبت ما بود	در مصر عدن غلغله از شوکت ما بود
در اندلس و روم عیان قدرت ما بود	وز ناحیه غرب به افریقیه راندیم
دریای شمالی را بر شرق نشانیدیم	وز بحر جنوبی به فلک گرد نشانیدیم ^{۴۲}

پیامبر اکرم ﷺ اسوه حسنه

امام علی علیه السلام درباره لزوم پیروی و تاسی به نبی گرامی اسلام ﷺ در نهج البلاغه تأکیدات فراوانی دارند و از جمله می‌فرمایند:

و لقد کان فی رسول الله ﷺ کاف لک فی الاسوة... فتأس بنبیک
الاطیب الاطهر ﷺ فان قبه اسوة لمن تأسی و عزة لمن تعزی واحب
العباد الی الله المتأسی بنبیه والمقتص لأثره^{۴۳}

و حقیقتاً مقتدا قرار دادن رسول اکرم ﷺ برای تو کافی است. از پیامبری که پاکیزه‌ترین و پاک‌ترین مردم است پیروی کن، زیرا راه و رسمش سرمشق و الگویی است برای هر کس تاسی جوید و انتسابی است عالی برای هر کس که بخواهد منتسب گردد، و محبوب‌ترین بندگان خداوند کسی است که از پیامبرش سرمشق گیرد و قدم جای قدم او گذارد.

پیامبر ﷺ ملاک ارزشها

امام علی علیه السلام شیوه زندگی آن نیر اعظم را به عنوان ملاک ارزشها معرفی می‌نماید:
و لقد کان فی رسول الله ﷺ کاف لک فی الاسوة و دلیل لک علی
ذم الدنيا و عیبها و کثرة محازیها و مساویها؛ اذ قبضت عنه اطرافها و
طئت لغيره اکتافها و فطم عن رضاعها و زوی عن زخارفها... و لقد
کان فی رسول الله ﷺ ما یدک علی مساوی الدنيا و عیوبها اذ جاع فیها مع
خاصته و زویت عنه زخارفها مع عظیم زلفته فلینظر ناظر بعقله اکرم

الله محمداً بذلك ام اهانة فان قال: اهانة فقد كذب والله العظيم بالانك العظيم وان قال: اكرم فليعلم ان الله اهان غيره حيث بسط الدنيا و زواها عن اقرب الناس منه^{۳۳}

کافی است که پیامبر خدا ﷺ را سرمشق خود قرار دهی و او سرمشق توست در بی‌ارزش بودن دنیا و رسواییها و بدیهایش، زیرا دنیا از او گرفته شد اما برای دیگران مهیا گردید. از نوشیدن شیر دنیا وی را جدا ساختند و از زخارف و زیباییهای آن برکنار داشتند... در زندگی رسول خدا ﷺ اموری است که تو را بر عیوب دنیا واقف می‌سازد، زیرا او و نزدیکانش در دنیا گرسنه بودند و با اینکه منزلت و مقامی عظیم در پیشگاه خداوند داشت، زینتهای دنیا را از او دریغ داشت. بنابراین، هر کس با عقل خویش باید بنگرد که آیا خداوند این کار پیامبرش را گرمای داشته یا به او اهانت کرده است. اگر کسی بگوید به او اهانت کرده به خدا سوگند این دروغ محض است و اگر بگوید او را گرمی داشته باید بداند خداوند دیگران را که زینتهای دنیا به آنها داده گرمی نداشته است، زیرا دنیا را برای آنها گسترده و از مقربترین افراد به خودش دریغ داشته است.

صفات نبی گرامی اسلام ﷺ

طهر

در نهج البلاغه صفات و ویژگیهای نبی گرامی اسلام و فضائل و مناقب آن رسول گرامی مورد توجه فراوان قرار گرفته است. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌گردد.
۱. امانت‌داری

ان الله بعث محمداً ﷺ نذيراً للعالمين و اميناً على التنزيل^{۳۵}
خداوند محمد ﷺ را به رسالت مبعوث ساخت که جهانیان را بیم دهد و امین آیات کتاب وی باشد.

در جای دیگر می‌فرماید:

حق اوری قبسا لقابس و انار علما لحابس فهو امينك المأمون^{۳۶}
تا اینکه خداوند پیامبرش را فرستاد و شعله‌ای برای آنها که می‌خواهند روشن گردند برافروخت و چراغی پر فروغ بر سر راه گم‌شدگان وادی ضلالت و گمراهی قرار داد. خداوند، پس او امین و مورد اعتماد توست.

۲. استقامت و پایداری

پایداری و استقامت در راه هدف و آرمان مقدس رسالت الهی، از صفات بارز نبی گرامی اسلام ﷺ است که در نهج البلاغه در مواضع متعدد مورد توجه امام علی‌علیه السلام قرار گرفته است. آن حضرت از جمله می‌فرماید:

سال پنجم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۵

ارسله داعيا الى الحق و شاهداً على الخلق فبلغ رسالات ربه غير وان ولا مقصر و جاهد في الله اعداءه غير واهن و لا معذر امام من اتقى و بصر من اهتدى^{۳۷}

خداوند پیامبر اسلام ﷺ را فرستاد تا به سوی حق دعوت نماید و گواه اعمال خلق باشد. او بدون سستی و کوتاهی رسالت پروردگارش را رسانید و در راه خدا با دشمنانش بدون عذر نبرد کرد. پیشوای پرهیزکاران و روشنی‌بخش چشم هدایت‌شدگان.

امام علیؑ در ضمن تعلیم درود فرستادن بر نبی گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

اجعل شرائف صلواتك و نوامی برکاتك علی محمد عبدك و رسولك الخاتم لما سبق والقاتح لما انغلق والمعلن بالحق والدافع جیشات الاباطیل والدافع. صلوات الاضالیل، كما حمل فا ضطلع قائماً بامرک مستوفزاً فی مرضاتك غیر ناکل من قدم و لا واه فی عزم و اعیاً لوحیک حافظاً لعهدك ماضياً علی نفاذ امرک حتی اوری قبس القایس و اضاء الطريق للخابط و هدیت به القلوب بعد خوضات الفتن والاثام و اقام بوضحات الاعلام و نیرات الاحکام^{۳۸}

خداوند، گرامی‌ترین درودها و افزون‌ترین برکات خود را بر محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ات قرار ده. همان فرستاده‌ای که ختم‌کننده وحی و رسالت بود و بازکننده راه بسته سعادت بشری و آشکار کننده دین حق به وسیله حق و برهان و بازدارنده جنب و جوشهای باطل و شکننده و از میان‌برنده هجومهای گمراهان. همان گونه که سنگینی بار رسالت بر عهده او قرار داده شد با تمام قدرت به انجام آن پرداخت و به فرمانت قیام کرد و به سرعت در راه رضا و خشنودی‌ات گام برداشت و حتی یک قدم هم عقب‌گرد نکرد و اراده محکمش سست نشد. وحی و رسالت تو را به خوبی دریافت و پیمان رسالت را حافظ و نگهدار بود. آن‌چنان در اجرای فرمانت کوشش کرد که شعله فروزان حق را آشکار و راه را برای جاهلان و گمراهان روشن ساخت و دل‌هایی که در فتنه و گناه فرو رفته بودند به واسطه او هدایت گردیدند. پرچمهای حق را برافراشت و احکام زنده اسلام را برپا نمود.

۳. شجاعت و فداکاری

امام علیؑ در این باره می‌فرماید:

کنا اذا امر البأس اتقینا برسول الله ﷺ فلم یکن احد منا اقرب الی العدو منه^{۳۹}

هرگاه جنگ شعله‌ور و سخت می‌شد ما به رسول خدا پناه می‌بردیم و در آن هنگام هیچ‌یک از ما به دشمن نزدیک‌تر از او نبود.

و در جای دیگر می‌فرماید:

و كان رسول الله ﷺ اذا احمر البأس و احجم الناس قدم اهل بيته، فوقى بهم اصحابه حر السيوف و الاسنة فقتل عبيدة بن الحارث يوم بدر و قتل حمزة يوم احد و قتل جعفر يوم موتة و اراد من لو شئت ذكرت اسمه مثل الذي ارادوا من الشهادة و لكن آجالهم عجلت و منيته اجلت^{٥٠} هرگاه آتش جنگ شعله می کشید و حمله شدید دشمن باعث عقب نشینی سپاه می شد، پیامبر خدا ﷺ اهل بیت خود را پیشاپیش لشکر قرار می داد تا اصحابش از آتش شمشیر و نیزه مصون بمانند. لذا پسر عموی پیامبر عبيدة بن حارث روز بدر و حمزه عموی پیامبر روز احد و جعفر پسر عموی آن حضرت روز جنگ موته کشته و شهید شدند و کسانی هم بودند که اگر می خواستم نامشان را می بردم که دوست داشتند همانند آنان شهادت نصیبشان گردد اما مقدر بود زنده بمانند و مرگشان به تأخیر افتد.

۴. رسول رحمت

یکی از اوصاف مهم نبی مکرم اسلام ﷺ آن است که رسول رحمت الهی است. قرآن کریم می فرماید: «و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين».^{٥١}

امام باقر ﷺ از امیرالمؤمنین ﷺ چنین روایت فرموده است:

كان في الارض امانان من عذاب الله و قد رفع احدهما فدونكم الآخر فتمسكوا به اما الامان الذي رفع فهو رسول الله ﷺ و اما الامان الباقي فالاستغفار قال الله تعالى: و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون^{٥٢}

در زمین دو امان و وسیله نجات از عذاب الهی بود که یکی از آنها برداشته شد، دومی را دریابید و به آن چنگ زنید. اما امانی که برداشته شد رسول خدا ﷺ بود و امانی که باقی مانده استغفار است. خداوند تعالی می فرماید: خداوند آنها را عذاب نمی کند تا تو در میان آنها هستی و خداوند آنها را عذاب نمی کند در حالی که استغفار می کنند.

از روایت امام باقر ﷺ وجه امان و رحمت بودن پیامبر ﷺ معلوم گردید. اما بنا بر آیه کریمه قرآن او «رحمة للعالمين» است و جهتش آن است که آنچه را موجب سعادت ابدی مردم است برای آنها آورده و این حتی برای کفار و مشرکان نیز رحمت محسوب می گردد، زیرا به مثابه سفره‌ای است از طعام گسترده ولی بعضی از مردم از غذاهای آن استفاده نمی کنند.^{٥٣}

۵. برترین پیامبران

حضرت در این باره می فرماید:

ارسله بالضياء و قدمه في الاصطفاء^{٥٤}

او را با نور و روشنایی فرستاد و از میان مخلوقاتش برگزید و بر همه مقدم داشت.

طهر

سال پنجم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۵

و در جای دیگر می‌فرماید:

و اشهد ان محمد عبده و رسول المجتبی من خلائقه^{۵۵}
و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده برگزیده خداوند از
میان مخلوقات اوست.

ع. خاتم پیامبران

حضرت در این باره می‌فرماید:

الی ان بعث الله سبحانه محمداً صلی الله علیه و آله لانجاز عهده و اتمام نبوته^{۵۶}
تا اینکه خداوند سبحان برای وفای به عهد خود و کامل گردانیدن
نبوت محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان فرستاده خویش مبعوث ساخت.

و نیز می‌فرماید: «و رسولك الخاتم لما سبق»^{۵۷} همان پیامبری که تمام کننده سلسله پیامبران

و شرایع آسمانی بود.» و در جای دیگر تصریح به این وصف می‌فرماید:

ایها الناس خذوها عن خاتم النبیین صلی الله علیه و آله: انه يموت من مات منا و
لیس بمیت و یبلی من یبلی منا و لیس ببال^{۵۸}

ای مردم، این حقیقت را از خاتم النبیین پیاموزید که هر کس از ما
می‌میرد در حقیقت نمرده و آن کس که جسدش کهنه می‌شود در حقیقت
کهنه نشده است.

و هنگام وداع با پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، آن گاه که آن حضرت را غسل می‌داد، عرضه داشت:

بأبی انت و امی لقد انقطع بموتك مالم ينقطع بموت غیرك من النبوة
والأنباء و اخبار السماء^{۵۹}

پدرم و مادرم فدایت ای پیامبر خدا، با مرگ تو چیزی قطع شد که با
مرگ دیگران قطع نشد و آن نبوت و اطلاع‌رسانی از عالم غیب و اخبار
آسمانی بود.

پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشتها:

۱. احزاب: ۲۱.
۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.
۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۱۷۴، چاپ دارالاحیاء الکتب العربیة، بیروت.
۴. نهج البلاغه، خطبه ۹۴.
۵. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۴۹ با تعلیقه حسن زاده، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی.
۶. شرح تجرید العقاید، ص ۳۵۹، انتشارات شریف رضی، قم.
۷. اللوامع الالهیة، ص ۳۱۱.
۸. توبه: ۱۲۸.
۹. الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، ج ۱، ص ۷۷ و ۷۲ و سایر مصادر از جمله الوفاء باحوال المصطفی، ص ۷۵ و ۷۲؛ دلائل النبوة، ج ۱، ص ۱۴۷، باب ذکر شرف اصل رسول الله و نسبه؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۷ و ۱۱۹.
۱۰. طبقات الکبری، ج ۱، ص ۶۰ دارصادر، بیروت.
۱۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.
۱۲. شوری: ۵۲.
۱۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۳؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۵۴.
۱۴. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۴؛ سیره حلبی، ج ۱، ص ۱۲۲، باب ما حفظه فی صغره؛ دلائل النبوة، ج ۲، ص ۳۰، باب ما جاء فی حفظ الله تعالی رسوله فی شبیته من اقدار الجاهلیة و معائبها.
۱۵. تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲۷۹؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰، رک. جامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۵؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۴۰۶.
۱۶. آل عمران: ۱۶۴.
۱۷. مائده: ۱۹.
۱۸. نهج البلاغه، خطبه ۸۹ و در خطبه ۱۵۸ همین عبارت به اضافه «انتقاض من المبرم» آمده است.
۱۹. مفردات راغب، ماده ف ت ر.
۲۰. النهایة فی غریب الحدیث والاثار، ماده فتر.
۲۱. نهج البلاغه، خطبه اول.

طهر

سال پنجم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۵

۹۶

۲۲. توبه: ۳۰ و آیات دیگری نظیر سوره انعام آیه ۱۰۰ و سوره نحل آیه ۵۷.

۲۳. مجارلاتوار، ج ۱۸، ص ۲۱۷.

۲۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

۲۵. همان، خطبه ۱۲۹.

۲۶. کتاب الاضنام، ص ۲۰۶.

۲۷. نهج البلاغه، خطبه ۳۳.

۲۸. همان، خطبه ۱۰۴.

۲۹. ر.ک. کتاب جهان در عصر بعثت.

۳۰. نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

۳۱. شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، ج ۲، ص ۲۴.

۳۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

۳۳. همان، خطبه ۸۹.

۳۴. ر.ک. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۷۳؛ جهان در عصر بعثت، ص ۵۳.

۳۵. نهج البلاغه، خطبه اول.

۳۶. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۸۶؛ ر.ک. الدرالمشور، ج ۲، ص ۴۷.

۳۷. نهج البلاغه، خطبه ۲.

۳۸. همان، خطبه ۱۸۵.

۳۹. همان، خطبه ۵۶؛ نظیر این کلام شریف، خطبه ۱۲۲.

۴۰. همان، خطبه ۹۶.

۴۱. همان، خطبه ۱۹۲.

۴۲. از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۱۴۰.

۴۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

۴۴. همان.

۴۵. همان، خطبه ۲۶.

۴۶. همان، خطبه ۱۰۶.

۴۷. همان، خطبه ۱۱۶.

۴۸. همان، خطبه ۷۲.

۴۹. همان، غریب کلمه ۹.

۵۰. همان، نامه ۹.
 ۵۱. انبیاء: ۱۰۷.
 ۵۲. نهج البلاغه، حکمت ۸۸
 ۵۳. رک. تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۷
 ۵۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۳.
 ۵۵. همان، خطبه ۱۷۸.
 ۵۶. همان، خطبه اول.
 ۵۷. همان، خطبه ۷۲.
 ۵۸. همان، خطبه ۷۸.
 ۵۹. همان، خطبه ۲۳۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

طهر

سال پنجم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۵